

نرجس سلیمانی، از سبک زندگی شهید سلیمانی و خاطرات شیرین روزهای با پدر بودن می‌گوید

پدر به جایگاه «ولایت» اعتقاد قلبی داشت

● **محصوله ماه پیکر** | ۱۳۱ دی ماه سال ۹۸ هیچ وقت از خاطر مردم ایران پاک نخواهد شد؛ خاطره تلخ شهادت حاج قاسم سلیمانی، قهرمان و فرمانده بزرگ کشور که محبوب دل همه ایرانیان بود و با شهادت، محبوب تر شد تا جایی که سردارها دل‌ها لقب گرفت. حالاً می‌خواهیم از زندگی خانوادگی و پدرا نه‌های سرداری تعریف کنیم که جهان مبهوت صلابت و ایستادگی اش بود. «نرجس سلیمانی» دختر بزرگ سردار از خاطرات روزهایی تعریف می‌کند که قهرمان بزرگ نه تنها ایرانیان، بلکه کشورهای حوزه مقاومت جهان، در خانه با نوه‌هایش بازی می‌کرد و حمامشان می‌برد. از آخرین شب یلدایی تعریف می‌کند که فرمانده محبوب مقاومت، در خانه کرسی گذاشت تا همه خانواده دور هم جمع شوند. دختر ارشد حاج قاسم با همه مشغله‌هایی که در آستانه دومین سالگرد شهادت پدر دارد با مهربانی درخواست‌مان را قبول می‌کند. گفت‌وگوی زیر حاصل صحبت‌های ما با نرجس سلیمانی است.



**حس مسئولیت از یک سو
و احساس جا ماندن از
کاروان و خیل بزرگ شهدا
در جبهه‌های مختلف ایشان
را نسبت به تک تک لحظات
متعهد می‌کرد تا بهترین
استفاده را از لحظه موجود
کند**

کاروان و خیل بزرگ شهدا در جبهه‌های مختلف ایشان را نسبت به تک تک لحظات متعهد می‌کرد تا بهترین استفاده را از لحظه موجود کرده و منتظر مجوز عبور از سرای فریب باشد. در عمل سبک زندگی پدر به شکلی بود که در عین اینکه هر لحظه مشتاق و منتظر رفتن بودند به همان میزان هم به حیات به‌عنوان یک هدیه الهی برای رشد و ارتقای روحی و معنوی احترام می‌گذاشت، این‌گونه نبود که زندگی را بی‌ارزش بشمارد یا ریاضت پیشگی را ترویج دهد.

رفتار پدر با مردم چگونه بود؟

مردم‌داری برایش اولویت داشت و مردم را از صمیم قلب واجد احترام می‌دانست. تحت هیچ شرایطی اجازه نمی‌داد بین ایشان و صاحبان اصلی انقلاب فاصله‌ای به وجود آید، پدر در این مورد خیلی جدی بود. برای هر شخص در جایگاه خودش احترام قائل بود.

عدم استراحت و فعالیت مداومش می‌گفتیم این بود: ایشان جوهر زندگی را می‌کشند و فقط تفاله زندگی را باقی می‌گذارند. به خاطر دارم به دفعات بعد از رسیدن از محل کار برای استراحت می‌رفتند و شاید یک یا دو دقیقه بعد که بیدار می‌شدند، می‌پرسیدند چند ساعت است که خواب بودم؟ چرا بیدارم نکردید؟ یا اینکه آیا کسی با او کاری نداشته است؟ وقتی متوجه می‌شدند تنها چند دقیقه بیشتر نگذشته است خودشان هم گاهی اوقات تعجب می‌کردند. صله رحم از موارد دنیایی بود که پدر بسیار به آن پایبند بود، از همان وقت محدود برای سرکشی و احوالپرسی از نزدیکان بهره‌می‌برد. اگر در محضر پدرشان بود، سعی می‌کرد هر خدمتی که از دستش بر می‌آید انجام دهد، اگر لحظاتی را با نوه‌هایش بود و فرصت بود، دوست داشت برای ساختن خاطره با آنها بازی کند یا استحمام آنها را برعهده می‌گرفت. بلا استثنا هر هفته روضه خانگی در منزل برپا بود، اغلب تعداد شرکت‌کنندگان در روضه به تعداد انگشتان دست می‌رسید و زمان هم کوتاه بود، اما پدر سعی می‌کرد از تمام برکات حصول معنوی در دسترس بهره‌مند شود و دیگران به خصوص خانواده را هم به این موضوع مهم توجه بدهد. نسبت به جایگاه ولایت حساسیت و اعتقاد قلبی داشت و در عمل به‌طور مداوم این امر مهم را به دیگران هم گوشزد می‌کرد. پرهیز از تظاهر هم یک موضوع مهم درباره سبک زندگی ایشان بود. در لباس پوشیدن مقید بود که مرتب و منظم باشد و در عین حال از بوی خوش هم غافل نبود.

آن طور که گفتید حاج قاسم نسبت به لحظات و دقایقش متعهد بود، فکر می‌کنید چه چیز باعث شده بود تا این‌گونه باشد؟
حس مسئولیت از یک سو و احساس جا ماندن از

اگر موافقت گفت و گو را از سبک زندگی پدر آغاز کنیم.

اخلاص پدر وجه بارز ایشان بود. در مسیر رشد روحانی‌شان تجربه همراهی و هم‌زمی با انسان‌های وارسته و واصل به حقیقت را مستمرا تجربه کردند. جوانان عارفی که راه‌های طولانی و پریچ و خم رسیدن به مطلوب حقیقی را در کوتاه‌ترین زمان ممکن گذراندند و ملک تا ملکوت را به طرفه العینسی پیمودند. توکل و تقوی مبتنی بر خلوص عمل مقدس که همان جهاد فی سبیل‌الله است وجه بارز و شاخص پدر بود که بسیار دست نیافتنی است در عین اینکه بسیار ساده به نظر می‌رسد.

به نظر شما چرا پدر همیشه در نبرد و جهاد فی سبیل‌الله بود و در همین مسیر به خدا رسید؟

اساس رشد ایشان در استمرار بر حفظ خودشان در مسیر جهاد و فراموش نکردن راه شهدا در پرتو ولایت‌مداری و یافتن نکذاشتن از حریم امن ولایت بود. چند روز پیش در پاسخ به شاخصه‌های مکتب سلیمانی برای روزنامه‌ای این‌گونه نوشتم: «اخلاص مبتنی بر مجاهدت بی‌وقفه متأثر از ولایت‌مداری و در چارچوب تدبیر، بر بستری از شجاعت با فراغت از نگاه گروهی و دسته‌ای با اعتقاد راسخ به مقوله عظیم شهادت‌طلبی می‌تواند شاخص مناسبی برای درک شهید سلیمانی باشد. تکرار این جمله به نظر من در پاسخ به این سؤال بجا است.»

اجازه بدهید کمی خانوادگی تر سوال هایمان را بپرسیم. فرمانده محبوب مقاومت دنیای اسلام، وقتی در خانه بود چه می‌کرد؟

ایشان در لحظه زندگی می‌کردند. آنچه که در منزل گاهی به شوخی و جدی در مورد ایشان و با توجه به